Modern Interdisciplinary Research in Law
Vol. 6, Issue 3, Fall 2026, 69-87
jmirl.apadana.ac.ir

Apadana Institute of Higher Education

The Jurisprudential Foundations for the Obligation to Teach Citizenship Rights within the Education System (An Analysis of Arguments and Legal Maxims)

Ali Akbar Izadi fard *
Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

Ali Akbar Jahani
Associate Professor, Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, University of Mazandaran, Babolsar, Iran

Amirhossein Jafargholizadeh Jamalabad
PhD Candidate, Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, University of Mazandaran, Babolsar, Iran

Received: 08/May/2026
Accepted: 07/July/2026
eISSN: 2783-4204
ISSN: 2783-3631

Abstract

As a fundamental pillar of social order and human dignity, citizenship rights require robust normative underpinnings. Given the growing social harms stemming from the evasion of the law and a lack of legal awareness, this study aims to elucidate the jurisprudential foundations that necessitate the teaching of citizenship rights. The significance of this research lies in addressing the theoretical gap regarding the connection between Imami jurisprudence and the modern education system, with the ultimate goal of preventing the violation of the rights of others (*huquq al-nas*). Employing a descriptive-analytical approach and drawing upon library resources—including Quranic verses, traditions (*hadith*), and jurisprudential maxims (such as the duty to "guide the ignorant," the obligation to "disseminate knowledge," the requirement to "attend to the affairs of Muslims," the principle that "the prerequisite of an obligatory act is itself obligatory," and the necessity to "avert potential harm")—this study analyzes the data and applies these foundations to the educational system. The findings indicate that the dynamic nature of Imami jurisprudence not only permits the teaching of citizenship rights but affirms it as a structural necessity. From a jurisprudential perspective, the protection of individuals' lives, reputations, and property requires raising public awareness; consequently, principles such as the obligation to facilitate a mandatory act, the duty to avert potential harm, and the prohibition against concealing knowledge render the teaching of citizenship rights a definitive obligation for the state and the education system. Within the context of formal education, the instruction and promotion of citizenship rights transcend mere pedagogical necessity; they constitute a "religious and rational obligation" essential for the realization of social justice, the prevention of crime, and the safeguarding of public rights. The education system is tasked with laying the groundwork for the realization of a law-abiding society rooted in human dignity by institutionalizing these teachings.

Keywords: Jurisprudential foundations, citizenship rights, education, necessity.

* Corresponding Author: ezadifard@umz.ac.ir

فصلنامه تحقیقات نوین میان‌رشته‌ای حقوق
دوره ۶، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۵، ۶۹-۸۷
jmirl.apadana.ac.ir

مؤسسه آموزش عالی آپادانا
غیر دولتی - غیر انتفاعی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۱۶ eISSN: 2783-4204 ISSN: 2783-3631

مبانی فقهی وجوب آموزش حقوق شهروندی در نظام آموزش و پرورش (تحلیل ادله و قواعد)

علی اکبر ایزدی فرد * استادگروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

علی اکبر جهانی دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

امیرحسین جعفرقلی‌زاده جمال‌آباد دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

چکیده

حقوق شهروندی به‌عنوان یکی از ارکان بنیادین نظم اجتماعی و کرامت انسانی، نیازمند پشتوانه‌های محکم هنجاری است. با توجه به گسترش آسیب‌های ناشی از قانون‌گریزی و جهل حقوقی در جامعه، این پژوهش با هدف تبیین مبانی فقهی ضرورت آموزش حقوق شهروندی نگاشته شده است. ضرورت این تحقیق در پر کردن خلأ نظریِ پیوند میان فقه امامیه و نظام تعلیم و تربیت مدرن جهت پیشگیری از تضییع حقوق‌الناس معنا می‌یابد. این پژوهش با رویکردی توصیفی‌تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و استناد به آیات، روایات و قواعد فقهی (همچون قاعده «ارشاد جاهل»، «نشر علم»، «اهتمام به امور مسلمین»، قاعده «مقدمه واجب» و «دفع ضرر محتمل») به تحلیل داده‌ها پرداخته و مبانی مزبور را بر نظام آموزشی تطبیق داده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که فقه پویای امامیه نه‌تنها با آموزش حقوق شهروندی مخالفتی ندارد، بلکه آن را به‌عنوان یک ضرورت ساختاری تأیید می‌کند. صیانت از نفوس، اعراض و اموال از منظر فقهی نیازمند آگاهی‌بخشی عمومی است؛ لذا قواعدی چون مقدمه واجب، وجوب دفع ضرر محتمل و حرمت کتمان علم، آموزش حقوق شهروندی را از تکالیف قطعی حاکمیت و نظام آموزش‌وپرورش می‌سازند. آموزش و ترویج حقوق شهروندی در بستر آموزش‌وپرورش، فراتر از یک ضرورت تربیتیِ صرف، یک «واجب شرعی و عقلی» در راستای اجرای عدالت اجتماعی، پیشگیری از جرایم و صیانت از حقوق عمومی است. دستگاه تعلیم و تربیت موظف است با نهادینه‌سازی این معارف، زمینه‌ساز تحقق جامعه‌ای قانون‌مدار و مبتنی بر کرامت انسانی گردد.

کلیدواژه‌ها: مبانی فقهی، حقوق شهروندی، آموزش‌وپرورش، وجوب.

* نویسندهٔ مسئول: ezadifard@umz.ac.ir

۱- مقدمه

بررسی و تبیین نظام حقوقیِ حاکم بر روابط آحاد مکلفین در بستر حیات جمعی و تعاملات مدنی، از بنیادین‌ترین مباحث در دستگاه فقه امامیه است. در نگرش توحیدیِ اسلام، انسان به‌عنوان «عبد» خاضع در برابر اراده‌الهی شناخته می‌شود که صیانت از حریم حقوقی و شخصیتی او، فرعِ بر شناخت دقیق تکالیف متقابل است. در عصر معاصر، اگرچه مفهوم «حقوق شهروندی» به‌عنوان یکی از ارکان نظم مدنی مطرح گردیده، لکن در تراث فقه امامیه این مفهوم فراتر از قراردادهای اعتباری، در شبکه احکام تکلیفی معنا می‌یابد. تحقق عینی این حقوق در جامعه‌اسلامی، مستلزم فرآیندی آگاهی‌بخش تحت عنوان «آموزش حقوق شهروندی» است که کانون رسمی آن، نهاد سترگ «آموزش‌وپرورش» می‌باشد. مسئله اصلی پژوهش این است که در ادبیات حقوقی مدرن و نظام‌های سکولار، حقوق شهروندی غالباً مبتنی بر اصالت فردگرایی و قرارداد اجتماعیِ منفک از دین توجیه می‌گردد؛ حال آنکه در فقه امامیه، التزام به حقوق دیگران، تکلیفی منجّز و مستند به ادله شرعی است. چالش اساسی، تبیین استدلالی جایگاه «آموزش» این حقوق در بستر آموزش‌وپرورش است تا مشخص گردد آیا این وجوب از باب «مقدمه واجب»، «وجوب حفظ نظام» یا «احکام ولایی» قابل استدلال است یا خیر و چگونه می‌توان با تنقیح مناط در روایات تعاملات اجتماعی، ساختار فقهی مدونی برای برنامه‌درسی آن استخراج نمود. ضرورت پرداختن به این موضوع در بستر آموزش‌وپرورش، از زاویه ناکارآمدی نظریه‌پردازی‌های صرفاً سکولار در ایجاد ضمانت اجرای درونی در روح و جان نسل نو آشکار می‌گردد. در فقه امامیه، ضمانت‌اجرای حقوق شهروندی صرفاً به ابزارهای قهری و حقوقیِ حکومتی محدود نشده، بلکه با عقاید، اخلاق و احکام تکلیفی (مانند حرمت ظلم، وجوب رد مظالم و رعایت حق‌الناس) پیوندی ناگسستنی دارد که نهادینه‌سازی آن جز از طریق سیستماتیکِ آموزش‌وپرورش میسر نمی‌گردد. بازخوانی این مبانی، نه‌تنها پاسخی استوار به شبهاتی است که فقه پویا را در مواجهه با چالش‌های حقوق مدرن ناکارآمد می‌پندارند، بلکه استنباط مدلی کارآمد از آموزش حقوق شهروندی جهت پیشگیری از منکرات اجتماعی، صیانت از کرامت انسانی و تحقق قسط و عدل را به ضرورتی انکارناپذیر مبدل می‌سازد.

۲- پرسش‌های پژوهش

۱. مبانی فقهی و استدلال‌های اجتهادیِ مترتب بر وجوب آموزش حقوق شهروندی در نظام آموزش و پرورش چیست و این فرآیند تربیتی چه حکم تکلیفی از منظر ادله اربعه و قواعد فقهی دارد؟

۲. چگونه می‌توان به آیات و روایاتِ ناظر بر حقوق متقابل در حوزه تعلیم و تربیت اطفال استدلال کرد؟

۳- اهداف پژوهش

۱- کشف، تبیین، تنقیح و نظام‌مندسازی مبانی فقهی ناظر بر آموزش حقوق شهروندی با تأکید بر کارکردها و رسالت‌های نظام آموزش و پرورش با تکیه بر منابع غنی فقه امامیه.

۲- شناسایی ادله نقلی و عقلیِ دال بر لزوم تعلیم حقوق متقابل به کودکان و نوجوانان.

۳- – واکاوی عمیق قواعد فقهی در افق نظام تعلیم و تربیت رسمی.

۴- نوآوری پژوهش

برخلاف پژوهش‌های پیشین که عمدتاً به بررسی حقوق شهروندی از منظر حقوق اساسی یا علوم تربیتیِ سکولار پرداخته‌اند، نوآوری پژوهش حاضر در این است که موضوع «آموزش حقوق شهروندی» را از حاشیه به متنِ فقه امامیه آورده و با تنقیح مناط در روایات تعاملات اجتماعی، احکام تکلیفی متولیان آموزش را با تکیه بر ادله اجتهادیِ ناب استخراج و نظام‌مند می‌سازد.

۵- روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، توصیفی- تحلیلی و مبتنی بر بررسی منابع نقلی، روایی و فقهی است. ادله مورد بررسی شامل نصوص قرآنی، روایات معتبر، اصول عقلی نظیر حسن و قبح و وجوب مقدمه واجب، و قواعد فقهی همچون قاعده ارشاد جاهل، هدایت، نشر علم و اهتمام به امور مسلمین بوده است.

۶-پیشینه پژوهش

- رنجدوست و همکاران (۱۴۰۴) در پژوهشی با عنوان «شناسایی عوامل مؤثر بر آموزش سواد حقوق شهروندی در آموزش و پرورش» به بررسی عوامل اثرگذار بر این حوزه در میان معلمان و مدیران مقطع ابتدایی شهر ارومیه پرداخته است. نتایج این پژوهش توصیفی-پیمایشی نشان داد که مؤلفه‌های اعتقادی، زیبایی‌شناختی، علمی، اجتماعی-اقتصادی و زیستی تأثیر معناداری بر ارتقای سواد حقوق شهروندی و مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان دارند؛ در این میان، مؤلفه‌ی اعتقادی بیشترین تأثیر را بر آگاهی حقوقی دانش‌آموزان داشته است

- قدیری و همکاران (۱۴۰۱ش) در پژوهشی با عنوان «تحلیل و ارزیابی عملکرد آموزش و پرورش در ارتقاء حقوق اجتماعی و شهروندی در ایران (در پرتو نظریه ساخت‌یابی)» به این نتیجه رسید که آموزش حقوق شهروندی در نظام آموزشی ایران بیشتر بر پایه رویکرد ساختارمحور و اصول نظری استوار است. وی پیشنهاد می‌کند که به‌کارگیری رویکرد ساخت‌یابی (مبتنی بر تعامل میان ساختار و کارگزار) می‌تواند به توسعه جامعه‌پذیری، قانون‌مداری و ارتقای آموزش حقوق شهروندی منجر شود.

- احمدزاده (۱۳۹۶ش) نیز در مقاله‌ای با عنوان آموزش حقوق شهروندی در آموزش و پرورش، تأکید بر اینکه مدارس به تنهایی قادر به تربیت شهروند آگاه نیستند، نقش نهاد آموزش و پرورش را در کنار تعامل سازنده میان دولت، خانواده و مدرسه در پرورش شهروندان خلاق و قانون‌مدار در دوره‌های ابتدایی و متوسطه بررسی و تبیین کرده است.

۷-مفهوم شناسی

۱ .آموزش و پرورش: واژه «آموزش و پرورش» یا «تعلیم و تربیت» در زبان فارسی معانی متنوعی دارد و صاحب‌نظران تعاریف مختلفی از آن ارائه داده‌اند. آموزش به‌طور کلی، هر فعالیتی است که معلم برای تسهیل یادگیری انجام می‌دهد و به مهارت معلم و محتوای درسی بستگی دارد (سیف، ۱۳۸۴ش،ص۱۱۶). آموزش حقیقی به دنبال فهم و یافتن قواعد و قوانین دانش است (دهخدا، ۱۳۷۷ش، ص۴۵۵). تربیت در لغت از ماده‌های «ربو» و «ربب» گرفته شده است و به معانی چون تغذیه، رشد، حضانت و اصلاح اشاره دارد. برخی آن را معادل تعلیم می‌دانند، در حالی که برخی دیگر به تربیت به عنوان گسترش نگرش، دانش، مهارت و الگوهای رفتاری می‌پردازند (همان). تربیت معمولاً فقط درباره انسان به کار می‌رود. آموزش و پرورش به‌طور کلی به پرورش فکری، اخلاقی و شخصیتی افراد و رشد ذهنی آن‌ها از طریق آموزش منظم اشاره دارد (کولب، ۱۳۸۴،ص۳۱۲). در معنای محدودتر،

آموزش و پرورش به آموزش‌های قراردادی و منظم اطلاق می‌شود که از مدارس و مؤسسات آموزشی آغاز می‌شود (علاقه‌بند، ۱۳۹۳ش،).

۲. فقه: واژه «فقه» از ریشه «ف‌ق‌ه» در زبان عربی مشتق شده و به معنای فهم عمیق و دقیق است. در قرآن نیز به همین معنا به‌کار رفته است، مانند آیه ۱۲۲ سوره توبه: «لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ» که به معنای کسب دانش و فهم عمیق در دین است. در زبان فارسی، فقه به دانش احکام دینی اشاره دارد. در اصطلاح علمی، فقه شاخه‌ای از علوم اسلامی است که وظیفه آن استنباط احکام شرعی از منابع مانند قرآن، سنت، اجماع و عقل است. فقه در فرهنگ قرآنی به همان معنای لغوی، یعنی بصیرت، ریزبینی و درک دقیق به‌کار رفته است. راغب اصفهانی فقه را «دریافت معلوماتی مجهول از معلومات بالفعل» تعریف کرده است (اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص۳۴). هروی نیز می‌گوید: «فقه به معنای شکافتن و گشودن کلام است» (ابوعبید هروی، ۱۴۱۹ق،ص۵۲۹). هلال عسکری نیز فقه را «درک مقتضای کلام با دقت و تأمل» تعریف کرده است (عسکری، ۱۴۲۹ق، ص۲۱۴).

۳.حقوق: واژه «حق»، جمع آن حقوق و مشتق از ریشه سه‌حرفی «ح–ق–ق» است. در کتب لغت، این واژه دارای معانی متکثری ذکر شده است که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به امر واقعی، مطابقت با نفس‌الامر (جعفری لنگرودی،۱۳۷۵ش، ص۳۲)، راستی، درستی، حقیقت، عدل، دادگری، امر سزاوار و روا، ملک، دارایی، ثبوت و موجود ثابت (معین،۱۳۷۱ش،ص۲۴۴)، و همچنین به معنای انصاف، وجوب، و حتی یکی از اسامی مبارک خداوند متعال آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷ش،ص۴۳۸). با این وجود، در تبیین ماهیت اصطلاحی «حق» میان فقها و صاحب‌نظران علم حقوق، آرای گوناگونی ابراز شده است و حتی در حقوق موضوعه نیز دکترین حقوقی بر تعریف واحدی اتفاق‌نظر ندارند. در این میان، استاد دکتر ناصر کاتوزیان، حق را بهره‌مندی یا امتیازی قانونی می‌داند که نظم حقوقی هر کشور در راستای اجرای عدالت از آن پشتیبانی می‌کند (کاتوزیان، ۱۴۰۴ش، ص۲۱) و حقوق را نیز نظامی از قواعد عام و الزام‌آور تعریف می‌کند که برای برپایی نظم و استقرار عدل بر حیات جمعی انسان‌ها حاکم بوده و ضمانت اجرای آن با حکومت است (همان). همچنین، دکتر امامی، حق را توانایی و اختیاری می‌شمارد که از سوی قانون‌گذار برای شخص به رسمیت شناخته شده است تا به موجب آن بتواند فعل یا ترکی را انجام دهد؛ نظیر حق مالکیت یا حقوق عینی مرتبط با تصرف (امامی،۱۳۷۷ش،ص۱۴). مجموعه قواعد و مقرراتی که در مقطع زمانی خاصی بر یک جامعه سایه افکنده و حکم‌فرماست، «حقوق» خوانده می‌شود. انسان همواره در طول حیات خود اسیر این‌گونه قوانین و تکالیف بوده است؛ زیرا جهت دستیابی به غایت و آرمان اصیل خویش – یعنی برپایی عدالت میان افراد و صیانت از نظم جمعی – ناگزیر است برای شماری از انسان‌ها در تقابل با دیگران، امتیازات و اختیاراتی منظور دارد. همین مزیت و اقتداری که نظامات حقوقی جوامع قانون‌مند به سود اعضای خود خلق می‌کنند، «حق» نامیده می‌شود که جمع آن حقوق است و از آن تعبیر به حقوق فردی نیز می‌گردد (کاتوزیان، ۱۴۰۴ش، ص۱۸).

۸–جایگاه آموزش حقوق شهروندی در اسلام

جایگاه حقوق شهروندی و ابعاد آموزشی آن در شریعت اسلامی نیازمند توجه به این مقدمه است که دین مبین اسلام به عنوان جامع‌ترین آیین الهی، تمامی اصول، سنت‌ها و ارزش‌های متعالی بشری را در بر گرفته و ظرفیت پاسخگویی به نیازمندی‌های بنیادین جامعه انسانی را داراست. در تعریف اصولی نظام شهروندی، برخورداری همگانی از حقوق و تکالیف متقابل و عادلانه مطرح است؛ به‌طوری‌که هیچ‌گونه تبعیض ساختاری در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و مدنی میان آحاد جامعه وجود نداشته باشد. در تبیین مسئولیت‌های اجتماعی افراد در این نظام،

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در کلامی ماندگار می‌فرمایند: «ألا کلکم راع وکلکم مسؤول عن رعیته» (مجلسی، ۱۴۰۴ق،ص۸۷)؛ مفهومی که در ادبیات حقوقی معاصر، معادل کارکردیِ حقوق شهروندی و تکالیف مدنی محسوب می‌شود. در مقایسه با مکاتب دست‌ساخت بشر، شریعت اسلامی در زمینه تضمین حقوق انسانی در بالاترین جایگاه قرار دارد؛ زیرا انسان را در جایگاه والای «خلیفه‌اللهی» تکریم نموده و از طریق نظام آموزشیِ خود، او را به شناخت مصالح خود و دیگران ترغیب کرده است. اساساً در ساختار حقوقی اسلام، تزاحم میان حق و تکلیف وجود ندارد و این دو مقوله همواره ملازم یکدیگرند، به‌گونه‌ای که ضمانت‌اجراهای شرعی و اخلاقی پشتوانه اجرای آن قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، در جامعه اسلامی آموزش و ترویج هنجارهای شهروندی شامل عموم افراد، حتی اقلیت‌های غیرمسلمان (در قالب قواعد همزیستی مسالمت‌آمیز) نیز می‌گردد و همه ارکان جامعه حق مشارکت فعال در سرنوشت جمعی خود را دارند. در خصوص اهمیت اهتمام به امور هم نوعان و مسئولیت آموزشی و مدنی مسلمانان در قبال یکدیگر، پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) می‌فرمایند: «هر کس شب را به صبح برساند در حالی که به امور مسلمین اهتمام ندارد، از مسلمانان نیست» (مجلسی، ۱۴۰۴ق). افزون بر این، از آنجا که غایت نهایی نظام تربیت اسلامی، شکوفایی انسان‌ها و هدایت آنان به مقام خلیفه‌الهی است، مسأله آموزش تعاون و مشارکت جمعی نقشی کلیدی دارد؛ چنان‌که قرآن کریم به عنوان منبع بنیادین حقوق اسلامی، مسلمانان را به یادگیری و نهادهسازی فرهنگ تعاون در نیکی‌ها و پرهیز از همراهی با زشتی‌ها فرا می‌خواند: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مائده / ۲). این آموزه به روشنی بازگوکننده جایگاه سترگِ آموزشِ مشارکت جمعی و مسئولیت‌پذیری شهروندان در هندسه فکری اسلام است.

۸-یافته های پژوهش



الگوی شماره ۱

۹-کتاب (قرآن کریم)

ردیف	آیه	ترجمه	بررسی دلالی- مفردات آیه	بررسی دلالی- فقهی آیه
۱	كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» (بقره/ ۱۵۱)	نانکه در میان شما رسولی از خودتان فرستادیم که آیات ما را برای شما تلاوت می‌کند و نفوس شما را (از پلیدی جهل) پاک و منزّه می‌گرداند و به شما تعلیم کتاب و حکمت می‌دهد و آنچه را نمی‌دانید به شما می‌آموزد.	۱.«يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا» (تلاوة و ابلاغ): تلاوة آیات، فرآیند نخستین در انتقال پیام وحیانی است که در ادبیات حقوقی و تربیتی معاصر، معادل «ابلاغ قوانین، اسناد بالادستی و اصول هنجارین» به مخاطبان جامعه است. ۲.«وَيُزَكِّيكُمْ» (تزکیه و تربیت اخلاقی-رفتاری): تزکیه ناظر بر رشد، تطهیر و شکل‌گیری ملکات فاضله اخلاقی و رفتارهای هنجارمند درونی است. در حوزه حقوق شهروندی، التزام به حقوق دیگران، رعایت انصاف، خودداری از تعدی و احترام به حریم خصوصی، ریشه در تزکیه نفس دارد. ۳.«وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (تعلیم کتاب و حکمت): «کتاب» ناظر بر متن قوانین و احکام مدون است و «حکمت» ناظر بر فلسفه، مصالح، مفاسد و غایات احکام و قواعد اجتماعی است. در دلالت مطابقی، آموزش حقوق شهروندی ترکیبی از آموختن ضوابط قانونی (کتاب) و درک فلسفه عقلایی همزیستی و منافع جمعی (حکمت) است. ۴.«وَيُعَلِّمُكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» (آموزش دانش‌های مجهول و بنیادین جمعی): این جمله دلالت عام و صریحی بر ضرورت آموزش سیستماتیک امور کارآمد مورد نیاز	۱.استمرار سنت هدایتی (قاعده وجوب نشر علم و آگاه‌سازی): وظایف پیامبر (ع) در این آیه (تعلیم و تزکیه)، پس از عصر نبوت، بر عهده امام معصوم (ع) و در عصر غیبت بر عهده نواب عام، حاکم اسلامی و نهادهای حاکمیتی متولی امر فرهنگ و تربیت (مانند آموزش و پرورش) است. بنابراین، حاکمیت شرعاً موظف است این ارکان چهارگانه را در جامعه پیاده‌سازی کند. ۲.«مقدمه واجب» (وجوب مقدماتی آموزش حقوق): ادای حقوق مردم (حق‌الناس)، حفظ نظام، منع ایذاء مؤمنین و جلوگیری از اکل مال به باطل، همگی احکام و تکالیف قطعی شرعی هستند. از آنجا که این تکالیف بدون «آگاهی و آموزش قبلی مکلفین» قابل تحقق نیستند، قاعده عقلی و شرعی «مقدمه واجب، واجب است» حکم می‌کند که آموزش این حقوق بر نهادهای متولی، وجوب کفایی یا تعیینی پیدا کند.

			جامعه دارد که انسان‌ها به صورت غریزی از آن آگاه نیستند؛ از جمله روابط پیچیده مدنی، حقوق و تکالیف متقابل در شهر.	
۲	«وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنفَعُ الْمُؤْمِنِينَ» (ذاریات/۵۵)	و (امّت را) تذکّر و پند می‌ده که پند و تذکّر (اگر کافران را نفع ندهد) مؤمنان را سودمند افتد.	۱.«وَذَكِّرْ» (امر به تذکر و یادآوری مستمر): صیغه امر («ذکر») در ادبیات اصول فقه، ظهور در وجوب یا استحباب مؤکد دارد. در نگاه کلانِ سیاستی و تربیتی، این امرِ الهی متوجه متولیان امر هدایت، حکومت و نظام تعلیم و تربیت است تا موضوعات حیاتی، اصول همزیستی و تکالیف متقابل را به صورت مستمر به جامعه یادآوری کنند. ۲.«فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنفَعُ» (کارآمدی و اثرگذاری قطعی یادآوری): حرف «إِنَّ» همراه با لام یا دلالت تعلیلی، نشان‌دهنده اثربخشیِ تضمین‌شده‌ی آموزش و آگاه‌سازی است. تذکر و تعلیمِ مداوم، جهلِ موضعی را برطرف کرده و مانع از غفلت انسان در تعاملات اجتماعی می‌شود. ۳.«الْمُؤْمِنِينَ» (مخاطب‌پذیری فطری و آمادگی پذیرش حق): مقصود از «مؤمنین»، انسان‌های دارای آمادگی درونی و فطرت بیدار (در اینجا دانش‌آموزان و نسل نو) هستند که زمینه‌ی مناسبی برای پذیرش هنجارهای عقلایی و شرعی دارند و آموزش حقوق شهروندی درونی‌سازیِ بهتری در آن‌ها ایجاد می‌کند.	قاعده «حرمت تغریر جاهل »: بسیاری از تخلفات حقوقی، پایمال شدن حقوق دیگران (حق‌الناس) و جرم‌های خرد شهری ناشی از «غفلت» و ناآگاهی افراد از ابعاد حقوقی رفتار خود است. آیه شریفه با تأکید بر وجوب «تذکر»، بارِ مسئولیتِ سنگینی را بر دوش نهادهای حکومتی می‌گذارد تا با آموزش مستمر، ریشه غفلت‌های اجتماعی را بخشکانند. تقدم روش‌های ایجابی و آموزشی بر اقدامات قهری: فقه اسلامی به ویژه در باب تعاملات اجتماعی، اصالت را به روش‌های نرم، هدایتی و آگاه‌ساز می‌دهد. دستور به «تذکر» به جای اتکای صرف به ابزارهای کیفری، مبنای فقهیِ ضرورتِ جایگزینیِ «آموزش حقوق شهروندی در مدارس» به جای مواجهه انتظامی و قضایی با آسیب‌های اجتماعی است.
۳	«وَلْتَكُن مِّنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى	و باید از شما گروهی باشند که	۱.«وَلْتَكُن مِّنكُمْ أُمَّةٌ» (تشکیل نهاد و ساختار سازمانی): کلمه «لام امر» در	۱.وجوب تأسیس نهادهای متولی آموزش ارزش‌ها

	الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران/ ۱۰۴)	[همه مردم را] به سوی خیر [اتحاد، اتفاق، الفت، برادری، مواسات و درستی] دعوت نمایند، و به کار شایسته و پسندیده وادارند، و از کار ناپسند و زشت بازدارند؛ و اینانند که یقیناً رستگارند.	(ولتقع یا ولتکن) دلالت بر وجوب دارد. تعبیر به «أُمَّةٌ» حاکی از ضرورت ایجاد یک جریان، تشکل یا نهاد سامان‌یافته و هدفمند در جامعه است، نه اکتفا به اقدامات فردی و عاطفی. ۲.«يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ» (دعوت نظام‌مند به نیکی‌های اجتماعی): «خیر» در ادبیات قرآنی ناظر بر منافع همگانی، مصلحت عمومی و امور عام‌المنفعه‌ای است که بقای جامعه بر آن استوار است. دعوت به خیر، پایه و اساس ساماندهی روابط مدنی است. ۳.«يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ» (ترویج قانون‌مداری و پیشگیری از تعدی): «معروف» هر آن چیزی است که عقل و شرع آن را نیکو و پسندیده می‌دانند (مانند رعایت حقوق دیگران، وفای به عهد، نظم عمومی و عدالت) و «منکر» هر آن چیزی است که شرعاً یا عقلاً قبیح و ممنوع است (مانند تجاوز به حقوق غیر، قانون‌شکنی و اکل مال به باطل). آموزش حقوق شهروندی مصداق بارز تبیین مصادیق معروف و منکر در عصر مدرن است. ۴.«الْمُفْلِحُونَ» (غایت‌شناسی سعادت جمعی): رستگاری و فلاح جامعه، معلول مستقیم نهادینه‌سازی این فرآیند آموزشی و نظارتی در روابط مدنی است.	(وجوب کفایی ساختاری): امر به تشکیل «أُمَّةٌ» (گروه و جریان سازمان‌یافته) دلالت دارد که حاکمیت اسلامی شرعاً موظف است سازمان‌ها، نهادها و سیستم‌هایی را برای آموزش، ترویج معروفات اجتماعی و پیشگیری از منکرات مدنی تجهیز و راه‌اندازی کند. ۲.پیش‌نیاز بودن آگاهی برای «امر به معروف»: تا زمانی که افراد جامعه (به‌ویژه نسل نو) با مصادیق حقوق، تکالیف، قوانین و هنجارهای مدنی آشنا نباشند، نه توان انجام معروف را دارند و نه تشخیص منکر برایشان ممکن است. بنابراین، آموزش حقوق شهروندی مقدمه واجب عقلی و شرعی برای تحقق فریضه امر به معروف و نهی از منکر در سطح کلان جامعه است.	

۱۰-سنت (ادله روایی)

ردیف	روایت	متن روایت	بررسی سندی	بررسی دلالی - فقهی روایت
۱	موثقه طلحه بن زید	مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ «قَرَأْتُ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ عليه السلام إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَأْخُذْ عَلَى الْجُهَّالِ عَهْداً بِطَلَبِ الْعِلْمِ حَتَّى اخذ عَلَى الْعُلَمَاءِ عَهْداً بِبَذْلِ الْعِلْمِ لِلْجُهَّالِ لِأَنَّ الْعِلْمَ كَانَ قَبْلَ الْجَهْلِ»(کلینی، ۱۳۶۵ش،ص۲۵۴)	در این روایت منصور بن حازم توثیق خاص ندارد؛ اما با توجه به روایت ابن ابی عمیر و صفوان بن یحیی از او توثیق می‌شود. نجاشی و شیخ «طلحة بن زید» را عامی مذهب و بتری خواندهاند؛ اما کتاب وی مورد اعتماد است. (شیخ‌طوسی، ۱۳۹۰ش، ص۱۳۴)	۱. تقابل نظام‌مند میان «تکلیف جاهل» و «تکلیف عالم» (حاکمیت و دولت اسلامی) در عبارت «لَمْ يَأْخُذْ عَلَى الْجُهَّالِ عَهْداً بِطَلَبِ الْعِلْمِ حَتَّى اخذ عَلَى الْعُلَمَاءِ عَهْداً بِبَذْلِ الْعِلْمِ»، خداوند متعال دو عهد و میثاق متقابل قرار داده است: عقد الرتبة (تقدم رتبی تکلیف عالم): تا زمانی که بستر آموزش، نشر علم و آگاهی‌بخشی توسط نظام دانا و حاکمیت (علما در معنای عام حامیان و مروجان دانش، و در عصر مدرن دولت و نهاد آموزش و پرورش) فراهم نشود، تکلیف ایجابی فراگیری بر دوش فرد جاهل (شهروند ناآگاه) فعلیت تام نمی‌یابد. در نظام حقوق عمومی اسلام، « آموزش و پرورش» به‌عنوان نماینده ساختار حاکمیتی و متولی نشر علم، دارای «تکلیف مولوی و شرعی پیشین» برای بذل دانش و آموزش همگانی است. حقوق شهروندی نیز بخشی از همان دانش لازمه حیات اجتماعی است که باید از سوی حاکمیت به شهروندان تعلیم داده شود. ۲. مفهوم‌شناسی «بذل العلم» و تعمیم آن به حقوق شهروندی :کلمه «بذل» در لغت به معنای بخشش کریمانه، در اختیار گذاردن و گسیل داشتن بی‌منّت امکانات است. هنگامی که شارع مقدس بر «عالم» عهد می‌بندد که علم را «بذل» کند، یعنی آموزش نباید کالایی تجاری یا امری

				حاشیه‌ای باشد، بلکه حق بنیادین شهروند است. حقوق شهروندی (شامل تکالیف متقابل فرد و جامعه، آزادی‌های مشروع، قانون‌مداری، برابری حقوقی و کرامت انسانی) دقیقاً مصداق بارز دانشی است که جامعه برای بقای عادلانه و صلح‌آمیز به آن محتاج است. بنابراین، «بذل علم» در نظام آموزشی شامل انتقال مفاهیم مدنی و حقوقی به نسل آینده (دانش‌آموزان) می‌شود. ۳. قاعده فقهی «تلازم حق و تکلیف» در آموزش عمومی از مفاد دلالت سیاقی روایت برمی‌آید که آموزش، یک جریان یک‌طرفه نیست؛ بلکه تکلیف حاکمیت در آموزش (بذل)، حق شهروند را ایجاد می‌کند و در پی آن، تکلیف شهروند در پذیرش و عمل به قانون (طلب علم و رعایت حقوق) معنا می‌یابد. در سیستم آموزش و پرورش، دانش‌آموزان به عنوان «جهال به احکام و حقوق اجتماعی» شناخته می‌شوند (جاهل به معنای فاقد علم بالفعل، نه سفیه).طبق این روایت، پیش از آنکه از شهروندان انتظار قانون‌مداری و رعایت حقوق دیگران داشته باشیم، نظام آموزشی مکلف است این حقوق را به آنان «بذل» کند. این دقیقاً همان مبنای فقهی ضرورت گنجاندن آموزش حقوق و تکالیف شهروندی در کتب درسی و برنامه‌های رسمی آموزش و پرورش است.

۲	روایت نهج البلاغه	وَ قَالَ علی علیه السلام «مَا اخذ اللَّهُ عَلَى أَهْلِ الْجَهْلِ أَنْ يَتَعَلَّمُوا حَتَّى اخذ عَلَى أَهْلِ الْعِلْمِ أَنْ يُعَلِّمُوا».(سید رضی،۱۴۳۱ق، ص۱۴۵)	این روایت در خصائص الأئمه، بحار الأنوار و برخی تفاسیر آمده است. در منیهٔ المرید نیز این روایت آمده که هم مضمون با روایت کتاب الکافی است و ازآنجاکه سند الکافی، معتبر است، روایت منیهٔ المرید نیز معتبر می‌شود؛ ازاین‌رو سند این روایت از نهج البلاغهٔ، معتبر است. (عاملی ،۱۳۷۲ش، ص ۱۸۵)	۱. تحلیل ادات حصر و شرط («ما... حتی...»)؛ تقدم رتبیِ تکلیفِ حاکمیت آموزشی در عبارت «مَا أَخَذَ اللَّهُ... حَتَّى أَخَذَ...»، ادات نفی به همراه «حَتَّى» (به معنای غایت و شرط مترتب)، گویای یک تلازم ساختاریِ عدمی و وجودی است: یعنی تا زمانی که حلقه اول زنجیره (تکلیفِ عالمان و متولیان آموزش به تعلیم) محقق و مستقر نگردد، حلقه دوم (تکلیفِ جهال به تعلم) فعلیت و وجوبِ منجز پیدا نمی‌کند. کاربرد در آموزش و پرورش: در نظام حقوقی اسلام، تا زمانی که دولت و وزارت آموزش و پرورش به عنوان متولیان نشر دانش، بسترها، برنامه‌ها، کتب درسی و فضاهای لازم برای یادگیریِ حقوق، تکالیف مدنی، اخلاق اجتماعی و حقوق شهروندی را فراهم نکرده باشند، نمی‌توان از دانش‌آموزان و شهروندان بازخواست کرد که چرا قوانین مدنی را نمی‌دانند یا حقوق دیگران را تضییع می‌کنند. بار مسئولیت نخستین، متوجه نظام آموزشی است که باید «تعلیم» را به عنوان یک حق پیشین ادا کند. ۲. تطبیق عنوان «أهل العلم» بر نهاد حاکمیتیِ آموزش و پرورش در ادبیات فقهی، «اهل علم» در اینجا صرفاً به علمای حوزوی محدود نمی‌شود، بلکه شامل هر شخص، نهاد یا ساختاری می‌گردد که «علمِ نافعِ مورد نیاز جامعه» را در اختیار دارد و قدرتِ نشر و انتقال آن به دیگران («أهل الجهل»

				یا همان نوآموزان و نسل در حال رشد) در او مستقر است. وزارت آموزش و پرورش در عصر حاضر، مظهر تامِ حقوقیِ «أهل العلم» در سطح کلان جامعه است. این نهاد، انحصارِ سازمان‌یافته‌ای در انتقال دانش عمومی دارد؛ بنابراین، عهدِ الهیِ «أنْ یُعَلِّمُوا» به صورت وجوب کفاییِ تعیینی بر عهده این سازمان است. مفاهیمی همچون حقوق شهروندی، قانون‌مداری، احترام به حقوق متقابل، حقوق اقلیت‌های درون‌جامعه، آزادی‌های مشروع و تکالیف سیاسی-اجتماعی، مصادیق بارز و برجسته از «علومی» هستند که جامعه برای زیست عادلانه به آن‌ها نیاز مبرم دارد و آموزش و پرورش مکلف به تعلیم آن‌هاست.
				۳. تبیین قاعده «سلب مؤاخذه بدون آموزش پیشین» (قبح عقاب بلابیان) این روایت بازتاب‌دهنده یکی از بدیهیات عقلی و شرعی یعنی قاعده «قبح عقاب بلابیان» و لزوم «إتمام حجت» است: خداوند متعال بر اساس عدالت خویش، انسانِ جاهل (در مقام جهل قاصد یا مقصّرِ معذور به دلیل عدم دسترسی به آموزش) را تا زمانی که امکان یادگیری و تعلیم برایش فراهم نشده باشد، مؤاخذه نمی‌کند. اگر نظام آموزشی کشور از گنجاندن آموزش‌های حقوقی و شهروندی در برنامه‌های خود غفلت ورزد، جامعه دچار بی‌نظمی، قانون‌گریزی و تضییع حقوق همدیگر می‌شود؛ اما از منظر این روایت، ریشه اصلی این انحرافات متوجه

				کسانی است که عهدِ «تعلیم» را زیر پا گذاشته‌اند. بنابراین، آموزش حقوق شهروندی در مدارس، یک سپر دفاعی در برابر جرم، انحراف و قانون‌شکنی در آینده جامعه است.
۳	روایت النوادر	عَنْ جَعْفَرِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله «مَنْ نَكَثَ بَيْعَةً أَوْ رَفَعَ لِوَاءَ ضَلَالَةٍ أَوْ كَتَمَ عِلْماً أَوِ اعْتَقَلَ مَالًا ظُلْماً أَوْ أَعَانَ ظَالِماً عَلَى ظُلْمِهِ وَ هُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ ظَالِمٌ فَقَدْ بَرِئَ مِنَ الْإِسْلَامِ».(کاشانی، ۱۴۱۸ق،ص ۱۷)	سید فضل‌الله بن علی راوندی (م ۵۷۱ یا ۵۷۳ ق) در آغاز کتاب النوادر، سند واحدی برای روایات بیان می‌کند. ایشان برپایه آن سند و در جهت پرهیز از تکرار، دیگر روایات را بدون سند نقل می‌کند؛ ازاین‌رو می‌توان گفت تمام روایات او، دارای سند است و هیچ‌یک، مرسله نیست. (علی‌نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص۱۸۶)	۱. حرمت سنگینِ «کتمان علم» و تطبیق آن بر انفعال آموزشی «علم» در این سیاق مطلق است و شامل تمام معارفی می‌شود که سعادت دنیا و آخرت بشر، تنظیم روابط اجتماعی و حفظ نظامات عادلانه به آن وابسته است. حقوق شهروندی (شامل احترام به قانون، حقوق متقابل افراد، کرامت انسانی، عدالت اجتماعی، و آزادی‌های مشروع) از مصادیق بارزِ «علمِ نافع و مورد نیازِ جامعه» است. اگر نظام آموزشی و متولیان تعلیم و تربیت کشور با وجود توانایی و امکانِ گنجاندن این معارف در برنامه‌های رسمی، از آموزش آن به نسل نوآموز خودداری کنند یا به صورت سطحی و ناکارآمد از کنار آن بگذرند، مصداق بارزِ «کتمان‌کننده علم» خواهند بود؛ چرا که کتمان علم منحصر در پنهان کردن یک روایت در خانه نیست، بلکه فروگذاشتنِ نشرِ معارفِ حیاتی در بستر عمومی جامعه نیز نوعی کتمانِ ساختاریِ علم محسوب می‌شود. ۲. ارتباط میان «کتمان علم» و وقوع «ظلم و ضلالت» در جامعه:تقارنِ میان فقرات این روایت (کتمان علم، رفع لواء ضلالت، و اعانت بر ظالم) حاوی یک پیام دقیق فقهی–جامعه‌شناختی است:

				جهلِ حقوقیِ شهروندان و بی‌اطلاعی نسل جوان از حقوق و تکالیف متقابل خود و دیگران، بستر اصلیِ قانون‌شکنی، پایمال شدن حقوق عمومی (اعتراف مال مظلوم به ظلم یا تضییع حقوق دیگران) و انحرافات اجتماعی است. وقتی آموزش و پرورش از آموزش حقوق شهروندی و مهارت‌های زیست مدنی غفلت کند، زمینه جهل عمومی فراهم شده و جامعه به سوی ظلم و ضلالت کشیده می‌شود. از این رو، روایت هشدار می‌دهد که سلبِ آگاهی از جامعه (کتمان علم) عملاً زمینه‌سازِ اعانت بر ظلم و پدید آمدن لواء ضلالت است.

۱۱-عقل (احکام عقل)

عقلِ عملی و قواعد مسلمِ آن، در کنار احکام شرعی، به عنوان یکی از منابع استنباط و کشف احکام الهی شناخته می‌شوند. از منظر عقل، صیانت از نظام اجتماعی و کرامت انسان‌ها دارای چنان منزلتی است که احکام سه‌گانه زیر، وجوب و ضرورتِ قطعیِ «آموزش حقوق شهروندی» را در اسلام و بستر آموزش و پرورش به اثبات می‌رسانند:

۱. «مقدمه واجب، واجب است» (وجوب عقلیِ مقدماتی) بر اساس این حکم عقلی، هرگاه انجام تکلیفی شرعی یا عقلی، متوقف بر امری دیگر باشد، آن امرِ مقدماتی نیز به تبعِ ذی‌المقدمه، حکم وجوب به خود می‌گیرد. در شریعت اسلامی، رعایت حقوق‌الناس، حفظ جان، آبرو و اموال دیگران، پرهیز از ظلم، و اقامه عدل از واجبات مؤکد و قطعیِ الهی هستند. با این حال، تحقق عینیِ این تکالیف و پیاده‌سازی عدالت اجتماعی، بدون آگاهیِ آحاد جامعه و نسل نوپا از حقوق و تکالیف متقابل مدنی و شهروندی امکان‌پذیر نیست. بنابراین، از منظر عقل و حکمِ مولویِ آن، آموزش و ترویج حقوق شهروندی به عنوان مقدمه‌ی لازمه‌ی تحققِ احکام عدل و صیانت از حقوق‌الناس، خود یک واجبِ عقلی و شرعیِ حتمی به شمار می‌رود که ترک آن موجب تفویتِ واجبات اصلی خواهد شد. (مظفر، محمدرضا، ش ۱۳۷۰،ج۱،ص ۲۹۸)

۲. «دفع ضرر محتمل» (پیشگیری عقلی از مفاسد کلان اجتماعی) : عقلِ مستقل حکم می‌کند که دفعِ ضررِ محتملِ اهم بر عهده مکلف است و اهمال در قبال آن قبیح می‌باشد. عدم آموزش حقوق شهروندی به کودکان، نوجوانان و جوانان در بستر نظام تربیتی، زمینه‌ساز جهل عمومی نسبت به مرزهای آزادی، حقوق فردی و تکالیف جمعی می‌گردد. این جهلِ فراگیر، پیامد محتومی چون قانون‌گریزی، تضییع حقوق دیگران، تنش‌های اجتماعی و آسیب به امنیت روانی و مادیِ جامعه را به دنبال دارد که ضرری بسیار بزرگ و غیرقابل‌جبران برای فرد و ساختار جامعه‌ی اسلامی است. عقل حکم می‌کند که برای پیشگیری از این خسارتِ سهمگین، باید به فوریت چاره‌اندیشی کرد؛ و آموزش سامان‌یافته‌ی

حقوق شهروندی، مطمئن‌ترین و اساسی‌ترین سپرِ دفاعی در برابر این ضررِ محتملِ کلان است. (جزایری، ۱۴۱۶ق، ج۴، ص۲۰۶)

۳. قاعده‌ی حسن و قبح عقلی و ضرورت تربیت نسل قانون‌مدار و مسئولیت‌پذیر: بر اساس نظریه‌ی عدلیه در باب «حسن و قبح عقلی»، عقل انسان به صورت مستقل برخی امور را ذاتاً نیکو (همچون نظم، عدالت، مسئولیت‌پذیری و احترام به حقوق همنوعان) و برخی دیگر را ذاتاً قبیح (همچون تعدی به حقوق دیگران، بی‌انضباطی اجتماعی و قانون‌شکنی) تشخیص می‌دهد. همچنین قواعدی چون «شکر منعم» و لزوم حفظ مصالح عامه بر این حقیقت صحه می‌گذارند که تربیت نسل‌هایی آگاه، قانون‌مدار و پایبند به اصول همزیستی مسالمت‌آمیز، امری مطلوبِ شارع و مقتضای حکم قطعی عقل است. از این‌رو، تعلیم و ترویج حقوق شهروندی در سیستم آموزشی، نه تنها یک ضرورتِ تشریفاتی یا مدرن، بلکه یک ضرورتِ عقلی، اجتماعی و دینی است که عقل سلیم آن را تایید کرده و غفلت از آن، فروپاشیِ ارزش‌های اخلاقی و مدنی را در سطح جامعه به دنبال خواهد داشت.

۱۲-اجماع (اتفاق فقهاء)

بر اساس اتفاق آرا و اجماع ضمنی فقهای امامیه، اصلِ «ارشاد جاهل» در حوزه‌ی موضوعاتِ خطیر و سرنوشت‌ساز، از تکالیف قطعی و شرعی به شمار می‌رود. فقهای عظام (از جمله علامه حلی و به تبع ایشان صاحب معالم و صاحب حدائق در مباحث امر به معروف و نهی از منکر) تصریح کرده‌اند که هرگاه جهلِ مکلف به موضوعات پیرامونی، به حریمِ احکام الهی یا حقوق اساسی افراد لطمه بزند، آگاه‌سازی او از باب «ارشاد جاهل» بر دیگران واجب می‌شود اگرچه در موضوعات عادی و روزمره، اصلِ اولیه عدم وجوبِ ارشاد است، اما فقها قاطعانه بر این باورند که این قاعده یک استثنای بسیار مهم دارد: «موضوعات خطیر، حیاتی و مناطاتی که شارع مقدس به هیچ وجه به ترک، غفلت یا تضییع آن‌ها راضی نیست»؛ مقولاتی نظیر صیانت از نفوس (جان)، اعراض (حرمت و آبرو) و اموال مؤمنان که حفظ نظم عادلانه جامعه به آن‌ها وابسته است. در این مواردِ حساس، اجماع وجود دارد که جهلِ افراد نباید بدون پاسخ بماند و آگاه‌سازی آنان فریضه‌ای حتمی است. لذا روشن است که «حقوق شهروندی و تکالیف متقابل مدنی» در روزگار کنونی، مصداق اتمّ و اکملِ همان «موضوعات مهمی» است که شارع مقدس بر صیانت از آن‌ها اصرار دارد. جهلِ نسل جوان و نوآموز به حقوق شهروندی، مرزهای اخلاق، قوانین اجتماعی، احترام به کرامت انسانی و حفظ حقوق دیگران، مستقیم‌ترین پیامدش به‌خطر افتادنِ جان، آبرو، مال و امنیت روانی جامعه (تضییع حقوق‌الناس) است. لذا بر اساس اجماعِ فقها بر وجوب ارشاد جاهل در امور مهم، آموزش و ترویج حقوق شهروندی در بستر نهاد آموزش و پرورش، نه تنها یک ضرورتِ مدرنِ تربیتی، بلکه یک «واجب شرعیِ حاکمیتی» است؛ چرا که دستگاه تعلیم و تربیت به عنوان متولیِ آگاه‌سازی نسل‌ها، موظف است با رفع جهل حقوقیِ دانش‌آموزان، از وقوع جرایم، قانون‌شکنی‌ها و تضییع حقوق عمومی و خصوصی پیشگیری کرده و بنیان‌های نظام عادلانه اسلامی را بر پایه آگاهی عمومی استوار سازد. (مطهر اسدی، ۱۴۱۰، ص ۴۸؛ عاملی، ۱۳۷۲ش، ج ۲، ص ۵۷۹ ؛ بحرانی،۱۴۳۲ق، ج ۵، ص ۲۶۱ ؛ انصاری ، ۱۴۳۷ق، ج ۱، ص ۷۷)

۱۳-قواعد فقهی

۱. قاعده فقهی «ارشاد جاهل»: این قاعده ریشه‌دار در فقه امامیه، بر این اصل استوار است که نخبگان، متولیان و افراد آگاه جامعه در قبال هدایت و روشن‌گریِ افرادِ ناآگاه مسئولیت شرعی و اخلاقی بر عهده دارند. بر اساس استنادهای روایی، هرگاه بخشی از جامعه یا نسل نوپا نسبت به حدود تکالیف مدنی، حقوق متقابل انسانی و اصول زندگی اجتماعی دچار جهل یا تسامح باشند، بر دانایان و نهادهای مسئول واجب است که با ابزار آموزش، این جهل را برطرف سازند.

در بستر آموزش و پرورش، جهل دانش‌آموزان به حقوق و تکالیف شهروندی خود، زمینه‌ساز تضییع حقوق‌الناس و آسیب‌های اجتماعی می‌گردد. بنابراین، اجرای قاعده‌ی «ارشاد جاهل» در این نهاد، به معنای رفع جهل حقوقیِ نسل جوان از طریق آموزش‌های نظام‌مند است تا افراد با حقوق و مرزهای آزادی خود و دیگران آشنا شده و از تعدی به حقوق همنوعان مصون بمانند. (انصاری، ۱۴۳۷ق،ج۱،ص۷۷)

۲. قاعده فقهی «نشر علم»: نشر و پراکنده‌سازی دانش، از تکالیف بنیادینی است که متون روایی معتبر بر آن تأکید کرده و کتمانِ آگاهی‌های لازم برای سعادت جامعه را به شدت مذموم دانسته‌اند. علم‌آموزی و انتقال مفاهیم سازنده، وظیفه‌ای است که عالمان و مربیان باید نسبت به آن اهتمام ورزند. اگرچه حکم اولیه نشر علوم ممکن است رجحان و استحباب داشته باشد، اما در خصوص آموزش‌های حیاتی که بقای نظام عادلانه و نظم عمومی به آن‌ها وابسته است، نشر دانش از مصادیق تکالیف لازم به شمار می‌رود. معارف مربوط به حقوق شهروندی، اخلاق مدنی و قوانین اجتماعی از جمله علوم کاربردی و حیاتی برای زیست جمعی در جامعه اسلامی هستند. نظام آموزشی با ترویج و نشر این آموزش‌ها در میان دانش‌آموزان، به تکالیف برخاسته از قاعده «نشر علم» جامه‌ی عمل می‌پوشاند؛ چرا که انتشار فرهنگ قانون‌مداری و احترام به حقوق عمومی، مصداق اتمِ توسعه‌ی علم نافع در جامعه است. (کلینی،۱۳۶۵ش ، ج ۱،ص ۴۲)

۳. قاعده فقهی «اهتمام به امور مسلمین» : این قاعده مبتنی بر حدیث شریف نبوی است که هرکس صبح کند و به امور مسلمانان اهتمام نورزد، از آن‌ها نیست. «اهتمام» یعنی تلاش مستقیم یا ساختاری برای حل مشکلات، رفع موانع و تأمین منافع امت اسلامی. این قاعده گستره‌ای وسیع دارد و شامل مهم‌ترین مسائل اجتماعی و امنیتیِ جامعه‌ی اسلامی می‌شود که بی‌تفاوت ماندن در قبال آن‌ها گناه و جرم محسوب می‌گردد. قانون‌گریزی، تضییع حقوق عمومی و خصوصی، پایمال شدن کرامت انسانی و ناهنجاری‌های مدنی از بزرگ‌ترین چالش‌ها و آسیب‌هایی است که پیکره‌ی جامعه‌ی اسلامی را تهدید می‌کند. از آنجا که جهل به حقوق شهروندی ریشه‌ی بسیاری از این معضلات است، تلاش سیستماتیک برای آموزش و نهادینه‌سازی حقوق شهروندی در سیستم آموزشی، مصداق بارز و غیرقابل‌انکاری از «اهتمام به امور مسلمین» است؛ زیرا پیشگیری از مفاسد اجتماعی و صیانت از امنیت و حقوق مادی و معنوی مردم، از مهم‌ترین دغدغه‌های امت اسلامی به شمار می‌رود. (کلینی، ۱۳۶۵ ش، ج ۳، ص ۴۱۹)

۱۴-بحث ونتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف تبیین مبانی فقهی وجوب آموزش حقوق شهروندی در نظام آموزش و پرورش سامان یافت تا پاسخی استوار و استدلالی به یکی از بنیادین‌ترین چالش‌های میان‌رشته‌ای میان فقه و حقوق معاصر ارائه دهد. یکی از لغزش‌گاه‌های رایج در این حوزه، خلط میان «ضرورت عقلی و اجتماعی» با «حکم تکلیفی و وجوب شرعی» است؛ چرا که ضرورت‌های برآمده از خرد جمعی یا نیازهای جوامع مدرن، لزوماً به تنهایی بارِ تعهد شرعی را به دوش نمی‌کشند. لکن یافته‌های این پژوهش به‌روشنی مبرهن ساخت که در دستگاه فقه امامیه، این ضرورت اجتماعی متوقف نمانده، بلکه به مدد ادله متقن اجتهادی از مرتبه مصلحت‌اندیشیِ صرف فراتر رفته و به درجه «حکم تکلیفی و واجب قطعی» برای نظام اسلامی و متولیان تعلیم و تربیت ارتقا می‌یابد. بر همین اساس، با سیر در ادله اربعه و تنقیح مناط در منابع دینی، نخست با تکیه بر آیات کریمه قرآن همچون آیه ۵۵ سوره مبارکه ذاریات («وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ») و آیات ۱۵۱ بقره و ۱۰۴ آل عمران، آشکار می‌گردد که مقوله آگاهی‌بخشی، تعلیم حکمت و امر به معروف و نهی از منکرِ ساختاری، رسالتی حتمی بر دوش جامعه اسلامی است که تحقق آن جز از طریق سیستم آموزشی رسمی کشور میسر نمی‌گردد. این رویکرد در سنت و روایات معصومین (علیهم‌السلام) نیز پشتیبانی محکمی دارد؛ چنان‌که در موثقه طلحه بن زید و کلام بارز امیرالمؤمنین علی (ع) در نهج‌البلاغه با عبارت «مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى أَهْلِ الجَهْلِ أَنْ يَتَعَلَّمُوا حَتَّى أَخَذَ عَلَى أَهْلِ العِلْمِ أَنْ يُعَلِّمُوا» تصریح شده است که عهد الهی پیش از آنکه بر دوش جاهلان باشد، بر

عهده نظام دانایی و نهادهای آموزشی قرار گرفته تا علم نافع و حقوق متقابل را به نسل نوپا منتقل سازند و از سوی دیگر، روایت منقول در نوادر پیرامون حرمتِ «کتمان علم» در امور حیاتی جامعه، ترک این وظیفه را مایه خسران و تبری از اسلام می‌داند. این سلسله از دلالت‌های نقلی، در بستر استدلال‌های عقلی نیز پیوند خورده و با تکیه بر قاعده محوری «مقدمه واجب» استحکام می‌یابد؛ به این معنا که حفظ نظام اسلامی، صیانت از حقوق‌الناس و پیشگیری از ظلم و منازعات در بزرگ‌سالی از واجبات قطعی شرعی است و از آنجا که تحقق این غایات متعالی بدون آموزش سیستماتیک حقوق شهروندی در دوران کودکی و نوجوانی مقدور نیست، این آموزش به عنوان «مقدمه واجبِ منحصربه‌فرد»، حکم وجوب تکلیفیِ مقدمی را به خود می‌گیرد. به موازات آن، قواعد عقلیِ «دفع ضرر محتمل» شایع در پی جهل به حقوق و «حسن و قبح عقلی» نیز گواهی می‌دهند که شارع مقدس بر اساس قاعده ملازمه، حکم به وجوبِ ابزارِ تحقق این حسن داده است. این بنیان‌های عقلی و نقلی، در پرتو قواعد فقهیِ کارآمدی همچون «ارشاد جاهل»، «نشر علم» و «اهتمام به امور مسلمین» تکمیل شده و با اجماع فحوای کلمات فقهای امامیه در باب حفظ کیان جامعه اسلامی و حرمت تضییع حقوق عمومی، اتقان می‌یابد. نتیجه نهایی اینکه، برخلاف تصورِ تقلیل‌گرایانه‌ای که آموزش حقوق شهروندی را امری مدرن و سکولار می‌پندارند، این پژوهش اثبات کرد که با تکیه بر ادله اجتهادیِ ناب، آموزش حقوق شهروندی در نظام آموزش و پرورش از مصادیق روشنِ «واجب کفاییِ تعیینی» بر عهده دولت اسلامی و نظام تعلیم و تربیت است؛ به گونه‌ای که اخلال در این فرآیند تربیتی، موجبات تفویت اغراض شریعت، تضییع حقوق مکلفین در آینده و اختلال در نظام امت اسلامی را فراهم ساخته و ترک آن نزد شارع مقدس به هیچ وجه پذیرفته‌شده نیست.

منابع

قرآن‌کریم.

نهج البلاغه

ابراهیم بحرانی ، یوسف بن احمد (آل عصفور)،(۱۴۳۲ق)، الحدائق الناضرة،بیروت: مرکز الغدیر للدراسات الإسلامیة

ابن المطهر، حسن‌بن یوسف .(۱۴۱۴ق). تذکرة الفقهاء، بیروت: مؤسسة آل‌البیت علیهم السلام لاحیاء التراث.

امامی، سید حسن، حقوق مدنی، تهران، انتشارات اسلامیه، ج ۲، چاپ هجدهم، ۱۳۸۴ ش.

انصاری، مرتضی بن محمدامین (۱۴۳۷ق)، فرائد الاصول ،قم:ذوی‌القربی.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مقدمه عمومی علم حقوق، چ ۴، تهران: گنج دانش، ۱۳۷۵.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مقدمه عمومی علم حقوق، چ ۴، تهران: گنج دانش، ۱۳۷۵.

جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.

حسن طوسی ، محمد (شیخ طوسی)،(۱۴۰۰ق)، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت: دار الکتاب العربی.

دهخدا، علی اکبر(۱۳۷۷ش) لغت نامه دهخدا، چاپ ۲، تهران:انتشارات روزنه.

دهخدا، علی اکبر، (۱۳۸۵)، لغتنامه،چ۱،تهران: دانشگاه تهران.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد،(۱۴۲۲ق)، المفردات فی غریب‌القرآن،بیروت: دار المعرفة.

راوندی کاشانی، فضل الله بن علی،(۱۴۱۸ق)، النوادر،تهران: بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانپور.

سیف، علی اکبر،(۱۳۸۴)، روانشناسی پرورشی،تهران: انتشارات آگاه.

سید رضی، محمد بن حسین بن موسی،(۱۴۳۱ ق)، نهج‌البلاغة،چ۵: المجمع العالمی لأهل بیت علیهم السلام.

عاملی، محمد بن حسن حرّ ،(۱۳۷۲ش) وسائل الشیعة،تهران:اسلامیه .

عسکری، ابی هلال ، معجم الفروق اللغویة ، تحقیق: بیت الله بیات، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، چاپ چهارم، ۱۴۲۹ ق.

علاقه‌بند، علی، (۱۳۹۳)، جامعه‌شناسی آموزش‌وپرورش، تهران،کتابخانه فروردین.

کلینی، محمد بن یعقوب،(۱۳۶۵ق)،فروع کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

گولد کولب، ۱۳۸۴،فرهنگ علوم اجتماعی ترجمه باقر پرهام. انتشارات مازیار. تهران

مجلسی، محمدباقر،(۱۴۰۳ ق)، بحار الأنوار،چ۲، بیروت:دار إحیاء التراث العربی.

مروج جزائری، سید محمد جعفر، هدی الطالب فی شرح المکاسب ، قم، مؤسسه دار الکتاب، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق

معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، امیر کبیر، چاپ هفتم، ۱۳۷۱ ش.

نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی ، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۷ ق.

استناد به این مقاله: ایزدی فرد، علی‌اکبر، جهانی، علی اکبر، و جعفر قلی زاده جمال‌آباد، امیرحسین. (۱۴۰۵). مبانی فقهی وجوب آموزش حقوق شهروندی در نظام آموزش و پرورش (تحلیل ادله و قواعد). *فصلنامه تحقیقات نوین میان‌رشته‌ای حقوق*، ۶(۳)، ۶۹-۸۷

Modern Interdisciplinary Research in Law is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.